



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

حوزه علمیه معصومیه (سلام الله علیها) شهرستان شیراز

سطح دو

عنوان

**راهکارهای تقویت مطالبات و بررسی انواع مهریه ها**

استاد راهنما

**سرکار خانم آهنگران**

پژوهشگر

**آرزو غلامزاده**

پاییز ۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چکیده

در قرآن تصریح می کند مهر عطیه و نحله است. هبه پیشکش لازم است که در نکاح آمده است در متون فقهی و حقوقی چند قسم است: ۱- مهر المسمی ۲- مهر المثل ۳- مهر المتعه. نحوه پرداختن هر کدام با توجه به شرایط آن فرق دارد. که در این پژوهش به بررسی ابعاد آن پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: مهریه، مهرالمسمی، مهر المثل

## مفهوم شناسی

مهر در لغت: به فتح میم واژه ای عربی و معادل فارسی کابین است.

مهر در اصطلاح: مهر مالی است که در عقد نکاح مرد به زن می دهد و تعیین مقدار آن منوط به تراضی طرفین است.<sup>۱</sup>

صداق: به فتح و کسره صاد مجازی بوده و در اصل از صدق گرفته شده و جمع آن اصدقه و صدق است، مهریه به این دلیل صداق نام گذاری شده است، به جهت آگاهی به این که میل مرد بخشنده مهریه از هر صدق در ازدواج صورت گرفته است.<sup>۲</sup>

نحله: از ریشه نحل به معنای زنبور عسل زیرا بخشش شباهت به کار زنبور عسل دارد،<sup>۳</sup> نحله هبه ای است که شوهر از روی میل و رغبت و بدون درخواست زن به او نمی دهد.<sup>۴</sup>

فریضه: جمع آن فرایض است و از لحاظ لغوی به معنای حصه ی مفروضه و میزان و مقدار فرض شده است. فریضه به معنای مهر و کابین زن و چیزی است که خداوند بندگان را به آن امر و نهی کرده است.

---

<sup>۱</sup>-دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۸، ج ۱۴، ص ۲۱۸۸۳.

<sup>۲</sup>-مهریه و تعدیل آن،

<sup>۳</sup>-اصفهانی، راغب، ص ۴۸۵.

<sup>۴</sup>-کنز العرفان، ج ۳، ص ۲۰۲.

## مقدمه

بدون تردید خانواده در مفهوم خاص خود، هسته‌ی مرکزی و واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، که قدمت این گروه یا به عبارت دیگر «اجتماع طبیعی» را می‌توان در دوران آغاز زندگی بشر جستجو کرد.

خانواده به معنای خاص، نخستین جمعی است که انسان از بدو ولادت در آن گام می‌نهد و به عضویت این واحد در می‌آید و در آن آداب زندگی، اصول و رسوم اجتماعی همانند تعاون و فداکاری را فرا می‌گیرد: چه آنکه خانواده مرکز حفظ سنن ملی و اخلاق اجتماعی و پایگاه ساخت شخصیت و تلطیف عواطف و احساسات انسانی است. بنابراین به نیکی می‌توان معتقد شد تمام هنجار و ناهنجاری افراد هر جامعه به نحوی ریشه در خانواده دارد و فقدان این کانون مقدس، سبب بروز تباهی و فساد، تیره‌روزی و سرگردانی نوع بشر می‌گردد. این مرکز به ظاهر کوچک اما مهم و با ارزش، که اصولاً بر پایه‌ی تمایلات جنسی زن و مرد و همچنین بر اساس محبت ذاتی شکل می‌گیرد، در حفظ و نگرش قدرت ملی، نقشی عظیم و مؤثر دارد.

## انواع مهر

در این مبحث، طی سه گفتار به تعریف و تشریح انواع مهر پرداخته و هر کدام از آنها را با همدیگر مورد مقایسه قرار می دهیم. گفتار نخست شامل مهرالمسمی و گفتار دوم و سوم به ترتیب در مورد مهرالمثل و مهرالمتعهد خواهد بود.

## مهرالمسمی

اصطلاح مهرالمسمی از فقه اسلامی گرفته شده و هر چند در ماده ی ۱۱۰۰ قانون مدنی به کار رفته، ولی قانون مدنی تعریفی از آن به عمل نیاورده است. با این وجود، با استفاده از مواد مختلف قانون مدنی، و با توجه به فقه می توان گفت: «مهرالمسمی عبارت از مال معینی [مالی] است که به عنوان مهر با توافق زوجین تعیین می شود، یا شخصی که زوجین انتخاب کرده اند معین می نماید.»<sup>۱</sup> یا «مهرالمسمی مهری است که ضمن عقد یا پس از آن به تراضی طرفین معین می شود.»<sup>۲</sup> تعاریف دیگر نیز متضمن همین معنا هستند، از جمله گفته شده، «مهرالمسمی چیزی است که در موقع عقد روی آن توافق می شود، و یا با تراضی طرفین، به بعد از عقد موکول می گردد. همانطور اگر عقد را بدون اینکه نامی از مهر ببرند منعقد کنند و بعد از عقد بر مقدار معینی توافق کنند، در این صورت مهر واجب می شود، به شرطی که تسمیه صحیح بوده باشد.»<sup>۳</sup>

بر اساس ماده ی ۱۰۸۰ قانون مدنی، و آنچه در تعریف مهرالمسمی آمد، ممکن است تعیین مهر، طبق توافق زوجین به شخص ثالث (داور) واگذار شود. در این صورت او آزاده خواهد بود که هر مقدار که بخواهد، و صلاح بداند، مهرالمسمی قرار دهد، ولی در صورتی که زن خود مأمور تعیین مهر گردد، بر اساس ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی، نمی توان بیش از معمول عرف که برای امثال او تعیین می شود، مهر قرار دهد. پس اختیار زن برای تعیین مهر برای خود، تنها به اندازه مهرالمثل است.

<sup>۱</sup> - دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، ص ۱۴۹.

<sup>۲</sup> - دکتر ناصر کاتوزیان، ص ۱۹۵. حجة الاسلام دکتر حبیب الله طاهری، ص ۱۶۱.

<sup>۳</sup> - سید اسعد شیخ الاسلامی، ص ۱۳۲.

## مهر المثل

حقوق دانان در تعریف مهرالمثل، مواردی را ذکر کرده اند: «مهرالمثل، مهری است که به موجب قرار داد تعیین نشده، بلکه بر حسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانوادگی و اجتماعی او و غیر اینها و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، معین می گردد.»<sup>۱</sup> یا اینکه: «در مواردی که زن حق دریافت مهر را دارد، اما نسبت به مقدار آن بین او و شوهرش تراضی نشده، حق مالی زن «مهرالمثل» نامیده می شود.»<sup>۲</sup>

به طور خلاصه در تعریف مهرالمثل می توان گفت: «مهرالمثل عبارت از مقدار مالی است که به عنوان مهر، برای امثال و اقربان زن مزبور در نکاح معین می گردد.»<sup>۳</sup>

مبنای فقهی تعیین مهرالمثل، چیزی جز روایات واصله به مضمون «...لها صداق نساءها» و «مهرنساءها» و «مهور نساءها» نیست.<sup>۴</sup> یعنی زنی که بدون مهرالمسمی به عقد شوهری در آمده، چنانچه پس از نزدیکی، او را طلاق دهد، مهر او به اندازه ی مهر زنان مماثل و هم طراز اوست.

قانون مدنی در ماده ۱۰۹۱، در این زمینه مقرر می دارد:

«برای تعیین مهرالمثل، باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.»

<sup>۱</sup> - دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، ص ۱۵۹.

<sup>۲</sup> - باقر عاملی، ص ۶۲.

<sup>۳</sup> - سید حسن امامی، ص ۴۱۹.

<sup>۴</sup> - محمد بن حسن حر عاملی، باب ۱۲ از ابواب مهور، دکتر سید علی حائری شاهباغ، ص ۱۳۲.

## مهرالمتعه

در صورتی که مهر در عقد نکاح معین نشده باشد، و طلاق قبل از دخول واقع شود، مرد باید برای دلجویی زن، مالی به او بدهد و او را از خویش بهره مند سازد، این مال را «متعه»<sup>۱</sup> گویند. پس، «مهرالمتعه» مهری است که در فرض وقوع طلاق قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی، به عهده ی مرد قرار می گیرد و مخصوص به جدایی از طریق طلاق است و چنانچه جدایی از طریق فوت، فسخ، لعان و ... باشد، چنین مهری بر ذمه ی زوج نخواهد آمد.<sup>۲</sup> قانون مدنی هم به پیروی از فقه امامیه در ماده ۱۰۸۸ بر این موضوع تأکید نموده است.

پرداخت «مهرالمتعه» از ناحیه ی زوج، به نظر فقهای امامیه، امری الزامی است، ولی به نظر علمای عامه امری مستحبی است،<sup>۳</sup> مستند فقهای امامیه، برای الزامی بودن «مهرالمتعه» قرآن و سنت است. در قرآن کریم به آیه ی ۲۳۶ سوره ی بقره تمسک می جویند: «باکی بر شما نیست، اگر زنان را قبل از نزدیکی و قبل از تعیین مهر، طلاق دهید، اما آنان را با متاعی نیک شخص متمکن به مقدار وسع خویش، و مستمند به اندازه ی وسع خویش بهره مند سازید. این امر وظیفه ای است بر نیکو کاران».

در سنت نیز به روایات زیادی تمسک شده است که اگر در حد تواتر نباشد، لااقل مستفیض است، بنابراین به پیروی از رأی مشهور امامیه، برای تعلق مهرالمتعه به زن، سه شرط لازم است:

الف- در عقد نکاح مهری ذکر نشده باشد و بعداً نیز زوجین آن را تعیین نکرده اند.

ب- نزدیکی واقع نشده باشد.

ج- جدایی میان زوجین از طریق طلاق باشد.<sup>۴</sup>

ماده ی ۱۰۹۳ قانون مدنی در این زمینه اشعار دارد که: هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالمتعه است.

دادن مهرالمتعه به زن، برای جبران توهینی است که نسبت به زن، در اثر طلاق قبل از نزدیکی، حاصل شده است. طلاق قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی که موجب الزام مرد به پرداخت مهرالمتعه می گردد را می توان به عنوان یک ضرر معنوی به زن در نظر گرفت.

<sup>۱</sup> - متعه به فتح میم به معنای برخورداری است، و متعه طلاق آن چیزی است که بعد از طلاق به زن می دهند و شامل جامه و نفقه می شود. منتهی الارب.

<sup>۲</sup> - محمد حسن النجفی، ص ۵۷. حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید مصطفی محقق داماد، ص ۲۶۴.

<sup>۳</sup> - محمد حسن النجفی، ص ۵۱. عبدالله مام مقانی، مناهج المتقین فی نفسه ائمه الحق و الیقین قم: موسسه آل البيت لا حياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۴ هجری قمری، ص ۳۶۴.

<sup>۴</sup> - ر. ک: دکتر کاتوزیان، ۱۳۰.



در تعریفی هم که از مهر آمده، گفته شده: «عقلانه آن است که مهر را به مثابه ای «هدیه ای» که مرد به زن می بخشد، به حساب بیاوریم، و این هدیه در مقابل بودن زن در خانه برای رعایت و انجام خدمت همدیگر است.»<sup>۱</sup> مهر، پیشکش و هدیه ای است که از جانب مرد به زن داده می شود. این نشانه ی مهر و علاقه ی راستین مرد به زن است و عنوانی به جز هدیه ندارد. البته پیش از اسلام، مهر عنوان هدیه نداشت، بلکه پولی بود که در قبال گرفتن زن، به خانواده او تعلق می گرفت. بنابراین علت وضع قانون مهر در اسلام، ارزش دادن به زن و تقدیم هدیه به او علامت ابراز صداقت و عشق مرد به زن در قبال پاسخ زن به عشق مرد است.

اینها، مواردی است که ماهیت حقیقی و اجتماعی مهر را تعبیر به «هدیه» می کنند.

---

<sup>۱</sup> -محمد کمال الدین محمد، ص ۱۱۹.

## ماهیت مهر در نکاح منقطع (متعه)

لفظ متعه، به معنی تمتع و برخورداری است و منظور از نکاح منقطع، نکاحی است که برای مدت زمان محدود و مشخص منعقد می شود. «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.»

پس بر خلاف آنچه در نکاح دائم گفته شد در نکاح منقطع مهر یکی از ارکان اصلی عقد است. «در نکاح منقطع، عدم ذکر مهر در عقد، موجب بطلان است.»

در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند. و از ملاک آن چنین بر می آید که، مهر به نسبت تمکین در سراسر مدت تجزیه نمی شود. پس، اگر بعد از نزدیکی، زن ناشزه شود، این تخلف، حق او را نسبت به مهر از بین نمی برد.

در نکاح دائم، هر گاه پیش از وقوع نزدیکی، زن و شوهر به وسیله ی طلاق از هم جدا شوند، زن مستحق نصف مهر است. این حکم را بطور کامل نمی توان در نکاح منقطع اجرا کرد. زیرا اگر مرد تا پایان مدت با زن نزدیکی نکند یا بخشی از مدت را به او ببخشد، زن مستحق تمام مهر خویش است و فقط در صورتی که قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهر را بدهد. (ماده ی ۱۰۹۷ قانون مدنی). منظور از تمام مدت، باقیمانده ی آن است. بنابراین اگر بعد از چند ماه، شوهر باقی مدت را به زن ببخشد، در صورتی که نزدیکی واقع نشده باشد، زن مستحق نصف مهر است.

شرط خیار نسبت به مهر، در نکاح منقطع درست نیست؛ زیرا نفوذ آن موجب می شود که فسخ مهر سبب بطلان نکاح گردد؛ بنابراین شرط خیار در مهر، به منزله ی شرط خیار در نکاح است.<sup>۱</sup>

## فوت زوج یا زوجه

مشهور فقهای امامیه معتقدند که چنانچه زوج یا زوجه، قبل از نزدیکی بمیرند، تمام مهرالمسمی به نفع زوجه مستقر می گردد.<sup>۲</sup> ولی اکثر فقهای معاصر، خلاف مشهور فتوا می دهند.

مهر در حکم دین است و با دیون دیگر، هیچ فرقی ندارد، و همانگونه که اگر مرد مدیون کسی باشد، به محض توانایی مالی باید ادای دین کند، مهر هم همین حالت را دارد و چنانچه مرد توانایی دارد باید بپردازد.

<sup>۱</sup> - دکتر ناصر کاتوزیان، ص ۱۷۳ به بعد.

<sup>۲</sup> - زین الدین بن علی العاملی، الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة، ج ۲، ص ۱۰۰، حاج میرزا ابوالقاسم جیلانی میرزای قمی، جامع الشتات، تهران: کیهان، چاپ اول؛ ۱۳۷۱، ص ۴۲۸.

وی یادآور می شود: «چنانچه زن مهر را مطالبه کند، مرد نباید از طرح آن ناراحت شود، زیرا در ابتدای پیوند ازدواج این شرط را پذیرفته است. همچنین مهر حق زن است و به محض آنکه به عقد مرد در می آید، مالک آن می شود و پرداخت آن بر ذمه ی مرد است، تا در اولین فرصتی که تمکن پیدا کند، آن را بپردازد.»

معمولاً مهر در حین عقد تعیین می شود، ولی بسیار به ندرت پیش می آید که شوهر آن را نقداً به زن تسلیم نماید. چرا که به ندرت هم، زن در ابتدای شروع زندگی تقاضای مهر می نماید و اصولاً تقاضای مهر، بیشتر در مواقع پدید آمدن اختلاف های خانوادگی بروز می کند. عموماً زمانی سخن از تقاضای مهر و اجرای مهر به میان می آید که موضوع طلاق پیش آمده باشد.

بنابراین مهر به عنوان بدهی و دین، از زمان وقوع عقد، در ذمه ی شوهر باقی می ماند.<sup>۱</sup> و زمانی که زن تقاضا نماید، مرد مکلف به پرداخت مهر است و این مهر به صورت دین بر ذمه ی شوهر باقی خواهد ماند. مرد که به موجب عقد نکاح به میزان مهر، مدیون زوجه گردیده زمانی برائت از ذمه می یابد که به تعهد خود عمل کند متعهد نیز ملزم است آنچه بر عهده گرفته به طور کامل اجرا کند.

### مهر تضمینی برای تداوم عقد نکاح

آشفته بازار روابط خانوادگی، باعث شده که زنان سخنان شیرین و وعده و وعیدهای دلنشین قبل از ازدواج را نشنیده گرفته و با تعیین مقدار و میزان متناسبی به عنوان مهر، به نوعی برآنند که شاید تضمینی برای آینده و حوادث و اتفاقات ناخوانده و نادیده ی آن، دست و پا کنند.

به ندرت پرداخت مهر، به صورت نقد و حال است و در برزخ اختلافات است که مهر به عنوان یک حربه از جانب زوجه، در میدان زندگی رخ می نمایاند.

بعضی ها مسأله مهر را بسیار سهل می شمارند، غافل از این که مهر، برای زن یک امر حیاتی بوده و به عنوان یک وثیقه و بیمه ی تأمین آتیه ی زن در مواقع لازم است، زیرا آینده که در اختیار انسان نبوده و قابل پیش بینی نیست، چه بسا وضعی پیش آید که زن از لحاظ تأمین مخارج زندگی خود دچار مضیقه ی مالی گردد، به این ترتیب که شوهر خود را از دست بدهد و یا در اثر عدم تفاهم و هماهنگی با شوهر، از وی جدا شود گو اینکه اسلام در این گونه موارد پیش بینی های لازم را نیز برای اداره ی محارج زن، از قبیل ازدواج مجدد و ... نموده است. لکن مهر، یعنی ذخیره ی زندگی آینده، لااقل می تواند ولو برای مدتی که زن وضع روشنی از لحاظ زندگی آتیه پیدا نکرده است، برای او کمک موثری به حساب می آید. و از این جهت در روایات وارد است که مهر را از حد متعارف، زیاد پایین آوردن، امری نیکو نمی باشد.

<sup>۱</sup> - دکتر محمد علی موحد، ص ۱۰۱.

بنابراین مهر به عنوان یک وثیقه ی اطمینان بخش و یک نوع بیمه در مقابل حوادث آینده محسوب می شود، مهر ولو که کم نیز باشد پشتوانه ی قوی برای زن در مواقع ضروری است.<sup>۱</sup> در واقع مهر تضمینی برای آینده محسوب می شود.<sup>۲</sup>

مهر سنتی است دیرین که اسلام آن را از پیرایه ها و ستم هایی که در قالب آن بر ساحت زن روا می شد، پاک کرد و آن را در انسانی ترین و احترام آمیزترین چهره ی آن عرضه کرد. تا زن در سایه ی آن شخصیت، خویش را نگه دارد و خود را موجودی که مرد نیازمند و طلب او باید از خود مایه بگذارد تا به او دست یابد. معرفی کند و بدین وسیله از آن برای تعدیل رفتار بعدی مرد پایه ای بسازد، که او از همان ابتدا بفهمد ورود در این عرصه تعهداتی طرفینی می طلبد شخصی که با او پیمان زناشویی می بندد فردی است دارای شخصیت مستقل و مورد حمایت قانون گذار.

مهر در حقیقت اهرمی است در دست زن تا در سایه ی آن بتواند در موارد بسیاری احترام و استقلال خویش را به مرد نشان دهد و او را از تعرض به حقوق خود باز دارد. تعیین مهر، بهایی برای ارزش وجودی و شخصیت زنان نیست، بلکه تضمینی و تأمینی است برای آینده ی زندگی شان. تا زمانی که عدالت قضایی و دادگاه های خانواده، حقوق مالی آنان را در خانواده مورد توجه و ارزیابی قرار دهند.<sup>۳</sup>

حقوق دانان نیز معتقدند گاهی مهر، که معمولاً هنگام انحلال ازدواج مطالبه می شود مانع گسستن پیوند زناشویی می گردد و تضمینی برای دوام ازدواج به شمار می آید در صورت وقوع طلاق نیز گاهی مالی به زن به عنوان مهر می گیرد در زندگی او بسیار موثر است و مانع پریشانی و درماندگی او می گردد.<sup>۴</sup> مهر را قانون گذار برای جلوگیری از طلاق های بی مورد، مقرر کرده است.

<sup>۱</sup> -حجة الاسلام و المسلمین حسین حقانی زنجانی، ص ۱۵۰.

<sup>۲</sup> -مریم سادات عربی، ص ۲۳.

<sup>۳</sup> -مریم ساوجی، اختلاف حقوق زن در اسلام و خانواده، تهران: انتشارات مجرد، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۵۲.

<sup>۴</sup> -دکتر سید حسین صفایی، ص ۱۴۵. دکتر اسدالله امامی، ص ۱۴۸. سید علی محمد یثربی قمی، ص ۸۵.

## نتیجه گیری

مهریه پنج قسم می باشد:

۱- مهر المسمی ۲- مهر المثل ۳- مهر المتعه ۴- مهر السنه ۵- مهر المفوضه.

عوامل استقرار مهریه عبارت اند از:

۱- مقاربت ۲- ارتداد از دواج ۳- فوت زوج یا زوجه ۴- فسخ نکاح ۵- طلاق.

در صورت انحلال زوجیت پرداخت مهریه در شرایط مختلف متفاوت خواهد بود.

۱- انحلال مهریه در صورت وقوع طلاق قبل از مقاربت نصف مهریه و بعد از مقاربت تمام مهریه.

۲- در صورت فسخ نکاح قبل از مقاربت به لحاظ عیب، تدلیس و شرط نصف مستحق مهریه نخواهد بود و بعد از مقاربت مستحق تمام مهریه خواهد بود.

۳- انحلال مهریه در صورت فوت یکی از زوجین قبل از مقاربت اختلاف نظر می باشد و بعد از مقاربت مستحق تمام مهریه خواهد بود.

## فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ۱- اسماعیلی، مهناز، فلسفه مهریه از منظر فقه و حقوق، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- ۲- العاملی، محمدبن جمال الدین مکی (شهید ثانی)، اللمعة الدمشقیة، چاپ ۶، دارالفکر، ایران، قم.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ هجری قمری، ج ۳.
- ۴- اصفهانی، راغب، مفردات، دکتر سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۹۳.
- ۵- پولادی، ابراهیم، تألیف دکتر اسدالله امامی، مهریه و تعدیل آن (محاسبه مهریه به نرخ روز)، نشر دادگستر، چاپ اول: پاییز ۱۳۸۳.
- ۶- دکتر شیروانی و عباسی، علی و محمد مسعود، شرح اللمعة (شهید ثانی)، ج ۱، دار العلم، چاپ ۱۴، قم، ۱۳۹۳.
- ۷- دکتر مهر پور و دکتر روشن و محمدی دهقانی، حسین و محمد و حسن، مطالبات زوجه و روش وصول آن، تهران جنگل جاودانه، ۱۳۹۱.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۸، ج ۱۴.
- ۹- سیاح، احمد، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۶۸، فرهنگ نوین.
- ۱۰- حلی، ابوالقاسم نجم الدین، شرایع الاسلام، قم، انتشارات استقلال، چاپ سوم، ۱۴۰۹ هجری قمری، ج ۱۴.
- ۱۱- شرف الدین، حسین، تبیین جامعه شناختی مهر، انتشارات آموزش و پژوهش امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۰.
- ۱۲- فاضل، مقداد، کنزالعرفان، ۸۲۶ هجری قمری، عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۴، ج ۲.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۳، تاریخ سیده النساء فاطمه الزهراء.
- ۱۴- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ م، ج ۳۱.